

بنام آن هستی بخش متعال

شاهراه شریعت آن

(جلد اول)

شاهراه باغ حقایق شرع اوست

باغ و بستانهای عالم فرع اوست

اصل و سرچشمه خوشی انست آن

زود تجری تحتها الانهار خوان

دهد نوری طبیعت را دهد دادی شریعت را

چو بسپارد ودیعت را بدان سرحد جان ای دل

سرشناسه	: یگانه، علی محمد، ۱۳۴۰ -
عنوان قراردادی	: دیوان شمس تبریزی. شرح
عنوان و نام پدیدآور	: شاهراه شریعت / علی محمد یگانه.
مشخصات نشر	: قم: اندیشه مولانا، ۱۳۹۸ -
مشخصات ظاهری	: ج.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۸۸-۵۶-۲ : دوره ۱؛ ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۸۸-۵۷-۹ : ج ۱.
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ق. دیوان شمس تبریزی -- نقد و تفسیر
موضوع	: Mowlavi, Jalaloddin Mohammad ibn Mohammad
	: Dīvān-i Shams-i Tabrīzī -- Criticism and interpretation .
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۷ق. -- تاریخ و نقد
موضوع	: Persian poetry -- 13th century -- History and criticism
شماره افزوده	: مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ق. دیوان شمس تبریزی. شرح
رده بندی کنگره	: PIR۵۲۹۷
رده بندی دیویی	: ۸۱۶/۳۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۹۳۴۸۳۳



شاهراه شریعت آن (جلد اول)

مؤلف: علی محمد یگانه

ناشر: اندیشه مولانا

چاپخانه: چاپ مبین - قم

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۸۸-۵۷-۹ ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۸۸-۵۶-۲ ISBN 978 - 600 - 7088 - 57 - 9

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۸۸-۵۶-۲ ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۸۸-۵۷-۹ ISBN 978 - 600 - 7088 - 56 - 2

دفتر مرکزی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری،
روبه روی اداره پست، پلاک ۱۲۴ واحدیک تلفن: ۶۶۴۰۸۹۲۷ - ۶۶۴۷۶۴۸۸

دفتر قم: خیابان معلم، مجتمع ناشران پلاک ۴۱

تلفن: ۳۷۷۳۳۵۴۴ - ۳۷۷۳۳۶۴۵ فاکس: ۳۷۷۳۸۸۱۴

کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است.

...: فهرست مطالب ...:

۹۰.....	دیاچه: {رو شربت را گزین و امر حق را پاس دارا}
۱۳.....	طبق
۲۲.....	پیام
۲۹.....	راز
۳۹.....	عمل
۴۴.....	(بازگشت)
۴۶.....	آغاز
۴۷.....	رفتار
۵۰.....	درمان
۵۷.....	شگفتی
۵۸.....	پدید
۶۵.....	مانع
۶۷.....	قوی
۷۰.....	خدمت
۸۳.....	سختی
۸۵.....	فاش
۸۹.....	گرفتار
۹۶.....	مرکز
۹۷.....	تیرگی
۹۹.....	فشار

۱۰۰.....	لذت
۱۰۴.....	گره
۱۰۹.....	هوش
۱۱۴.....	هوس
۱۲۴.....	نردبان
۱۲۸.....	مقدس
۱۳۱.....	بلند
۱۳۷.....	فتح باب
۱۴۰.....	سبب
۱۴۳.....	ساعات
۱۵۱.....	پرواز
۱۵۵.....	حقیقت
۱۵۹.....	ایمن
۱۶۴.....	پایدار
۱۶۷.....	دام
۱۸۱.....	اوج
۱۸۴.....	نگهدار
۱۸۶.....	آزار
۱۹۰.....	قانع
۱۹۳.....	دوری
۱۹۸.....	بدبخت
۱۹۹.....	اسیر
۲۰۷.....	نقصان
۲۱۱.....	رها
۲۲۰.....	نیاز
۲۲۴.....	گرداب
۲۲۶.....	زاری

۲۳۱.....	محروم.....
۲۳۶.....	قالب.....
۲۴۱.....	وقف.....
۲۴۵.....	منقوش.....
۲۴۶.....	قصه.....
۲۴۹.....	بی ثبات.....
۲۵۲.....	لایق.....
۲۵۹.....	ضیف.....
۲۶۳.....	اسعداد.....
۲۶۴.....	معلق.....
۲۶۷.....	ارمغان.....
۲۷۳.....	حمایت.....
۲۷۵.....	هشدار.....
۲۷۷.....	قربانی.....
۲۷۹.....	سرگردان.....
۲۸۳.....	تقصیر.....
۲۸۷.....	شناخت.....
۲۹۱.....	راضی.....
۲۹۴.....	محبوس.....
۲۹۶.....	محبوس.....
۲۹۹.....	نتیجه.....
۳۰۱.....	چرخه.....
۳۰۴.....	مقصد.....
۳۰۵.....	میل.....
۳۱۳.....	لطیف.....

دییاجه : { رو شریعت را گزین و امر حق را پاس دار }

نیم شب از عشق تا دانی چه می گوید خروس
خیز شب را زنده دار و روز روشن نستکوس
برها بر هم زند یعنی دریغا خواجه ام
روزگار نازنین را می دهد بر آنموس
در خروش است آن خروس و توهمی در خواب خوش
نام او را طیر خوانی نام خود را اثربوس
آن خروسی که تو را دعوت کند سری خدا
او به صورت مرغ باشد در حقیقات انگلوس
من غلام آن خروسم کو چنین پندی دهد
خاک پای او به آید از سر واسیلیوس
گرد کفش خاک پای مصطفی را سرمه ساز
تا نباشی روز حشر از جمله کالویروس
رو شریعت را گزین و امر حق را پاس دار
گر عرب باشی و گر ترک و گر سراکوس

مقدمه:

- ما از مخزن اسرار، دُر های معانی را به ارمغان آوردیم. این دُر ها که هر کدام در طبله ای سَر به هزار تحفه های آن جهانی بود، به دفتر عشاق نثار شد. هرگوهری که از طبله گشوده میشود دُر ی دیگر در او نهفته است. بنابراین هر کلمه ای از طبله حاوی رمز های فراوانی است، که گنج عجایی مکنون است. اگر کسی بخواهد بویی از این رمز ها بشنود باید چشم خود را از غیر شمس الدین بدور و منتظر باشد تا سرور شاهان غلا به کرمش به شرح غزل ها بپردازد و به گوش تو همه تفسیر بخوبی شاه گوهر های که در طبله هاست هر یک بهایی ندارد. بنابراین همه اسرار آنرا بایستی، خواجه دیوان برگوید و بهترین شرح، شرحی است که از فخر اولیاء، شمس تبریزی بیان شده است. زیرا او همه دان است و هم همه جان. از این جهت گفتند: ز شمس الحق تبریز چه دیدیت؟

گفتیم کز آن نور به ما این نظر افتاد

از این جهت که صد ها هزار اسرار در دیوان آمده است خطاب آمد:

گفت بس کن که من این را به از این شرح کنم

زیرا شمس، مفتاح خزائن های خاص است که تماما حاکی از اسرار و رموز است.

خود بیان را چه کنم جان بیان می آید

پس اگر عقل خلاق را همه برهم دیگر ببندیم سِر لطف او را کسی نمی تواند بیابد مگر جانی را که استاد شمس برگزیده است.

اگر بودی به عالم نیم محرم

دل محرم بیان این بگفتی

وقت شد ای شاه شهان سرور خوبان جهان

که به کرم شرح کنی آن که نگوید دهنم

بنابراین کسی که شرح اسرار دیوان شمس را میگوید ناگهان با سخن شاه دانا و گوهر دریای گویا روبه رو میشود و به او میگوید:

خموش باش که تا شرح این همو گوید

که آب و تاب همان به که آید از بالا

تفسیر ابیات به قدری سری و پوشیده است که ناگهان استاد مولانا به ما هشدار میدهد که هر کسی توان شرح دیوان شمس را ندارد حتی خود من. اگر شرح کنم استاد شمس تبریزی می بخند:

ملک ای شاعر دل ها تو بگو شرح غزل

من اگر شرح کنم نیز برنجد دل میر

بنابراین دیوان که پراز درخت لایالی است هم لب شاه بگوید جمله تمام:

بگریز به نور شمس تبریزی تا کشف شود همه معانی
در کاسه های شاهان جز کاسه نیست مانی هر خام در نیابد این کاسه ای و نان را

بتاب ای شمس تبریزی به سوی بره های دل

که شمس مقعد صدق نه چون این شمس سرگردان

در خاتمه: کسی می تواند به شرح غزلیات دیوان شمس تبریزی بپردازد، که صد هزاران اسرار جان برای او مکشوف شده باشد.